

اثربخشی کاهش توسل به حبس از منظر مدیریت گرای کیفری

وحید وزیری^۱، اشکان رامش^۲

^۱ دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

^۲ دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

چکیده

از حدود سه دهه پیش شمار بالای زندانیان، کمبود فضای زندان، هزینه رو به افزایش آن و میزان بالای تکرار جرم در زندانیان جرم شناسان را به اندیشه کاهش توسل به مجازات حبس به عنوان مجازات اصلی نظام عدالت کیفری سوق داد که با این گرایش، ضمانت اجرایی به عنوان مجازات های جایگزین حبس یا اجتماع محور ایجاد شدند. این مجازات ها امروزه صورت های مختلفی یافته و اهداف گوناگونی را دنبال می کنند و هر روز در کشورهای جهان در حال گسترش می باشند. طبق آمارها و مطالعات انجام شده توسط حقوقدانان و جرم شناسان در اکثر کشورهای جهان، مجازات حبس، در دستیابی به اهداف اصلی مجازات ها (اصلاح و درمان مجرم و بازپذیری اجتماعی او) ناموفق بوده و هم از لحاظ عملی و هم از لحاظ نظری با بحران و ناکارآمدی مواجه بوده است و لذا تصویب قانون جامع و کامل در خصوص مجازات های جایگزین حبس و بسترسازی لازم در این زمینه و نیز آگاه سازی مردم و قضات، از موجبات و شرایط اساسی اجرای صحیح آن می باشد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت گرای کیفری، مجازات، جایگزین حبس، حقوق کیفری، لایحه، زندان.

۱. مقدمه

حبس به عنوان کیفر در تاریخ تحولات حقوق کیفری (نیمه دوم قرن هجدهم) همواره به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر وجود داشته است. هرچند در طی ادوار مختلف، تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس پدید آمد. لکن در سده بیستم علی الخصوص سالیان پس از جنگ جهانی دوم از یک سو، تحت تاثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی با تاکید بر رعایت احترام به حقوق بشر (آنسل، ۱۳۷۵) و سازمان های بین المللی منطقه ای (آشوری، ۱۳۸۲) با صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و اسناد بین المللی همچون میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی (۱۹۶۶) تحولات شگرفی در نوع نگاه مردم به مسائل انسانی پدید آمد. حق آزادی که بعد از حق حیات، اساسی ترین حق بشر محسوب می شود جایگاه خود را پیدا کرد. رواج یافتن حقوق شهروندی موجب افزایش تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولت های پاسخگو بودند و انتظار داشتند که حاکمان حقوق اولیه تک تک شهروندان از جمله حق حیات و حق آزادی آنان را به صورت کامل، هم در برابر افراد متجاوز و هم در برابر مسئولان حکومتی حفظ و حراست کنند. اهمیت حقوق اساسی شهروندان به ویژه حق آزادی - سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثنا و آخرین حربه مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سوال برد و سلب آزادی تنها برای جرایم مهم و خطرناک مجاز شمرده می شد. بدین ترتیب، مشروعیت حبس دچار تردید شد و کمتر کسی سلب آزادی از تمام مجرمان را می پذیرفت.

از سوی دیگر، یک مطالعه سنجشی پدید آمد که به بررسی کارنامه دستگاه عدالت کیفری می پرداخت که یکی از محورهای عمده مطالعه چنین دیدگاهی بررسی برون داد انواع واکنش های اجتماعی علیه بزه دیده بود. این مطالعات و آمارها نشان داد که حبس، چه با فلسفه ارباب و بازدارندگی و چه با فلسفه اصلاح و درمان با شکست عملی مواجه شده است. نه تنها ارتکاب جرم در جوامع با نظام کیفری حبس محور کاهش نیافته بود، بلکه آمار تکرار جرم توسط کسانی که سابقاً محکوم به حبس شده بودند، رقم بالایی بود.

مطالعات جرم شناسانه نشان می دهد که با تمام اصلاحاتی که در رژیم زندان ها طی دو سده ی گذشته صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان ها منجر شده، نتایج مثبت، سودمند و مؤثری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است (آشوری، ۱۳۸۲). ضمن اینکه انتقادهای گسترده ای به آثار منفی زندان هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ اجتماعی صورت گرفت. هزینه های اقتصادی بالای زندان، حرفه ای تر شدن مجرمان زندانی شده، از هم پاشیدن خانواده های زندانیان و ... تنها بخشی از اشکالات زندان به شمار می رفت (تجفی، ۱۳۸۴).

این اشکالات گسترده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری مجازات زندان پدید آمده بود، همه متفکران و سیاستگذاران علوم کیفری را بر آن داشت که به دنبال جایگزین هایی برای مجازات حبس باشند. این جایگزین ها از نظر تاریخی ابتدا با عنوان «جایگزین زندان های کوتاه مدت» وارد قلمرو نظام کیفری شد. ولی جایگزین ها به تدریج توسعه یافت و در قوانین جزایی کشورهای مختلف وارد شد. برخی از آن ها به شکل جایگزین حبس، دست قاضی را باز گذاشته تا به جای کیفر حبس به آن ها توسل جوید و برخی دیگر به شکل مستقل، یک نوع مجازات تلقی شده و بر سیاهه کیفرها افزون شدند. در کشور ما نیز با توجه به مسائلی چون افزایش بیش از اندازه آمار زندانیان، عدم مؤثر بودن مجازات حبس، تحمیل هزینه های گزاف اداره زندان ها به دولت و سایر پیامدهای منفی زندان، اقدامات گسترده ای به منظور استفاده از مجازات های جایگزین صورت گرفته است، تا توسل به مجازات حبس در زمینه بازپروری مجرمان کاهش یابد.

۲. بیان مسأله

با پدید آمدن جرم شناسی و با توجه به روابط و تاثیرات متقابل بین این رشته و حقوق کیفری، مفاهیم، قواعد، نهادها، اصول علمی جدیدی وارد مدیریت گرای کیفری گردیده که موجب بهبود حقوق کیفری و توسعه قلمرو کیفری و گشودن افقی وسیع پیش روی قانون گذاران و حقوق دانان شده است. از طرف دیگر تراکم و انبوه جمعیت کیفری پدیده ای بحران خیز در عصر

حاضر مشکلی جدی در کلیه جوامع ایجاد کرده است به گونه ای که به انحاء مختلف دستاوردهای تادیبی اصلاحی و تربیتی را مخدوش نموده است.

در بسیاری از کشورها جمعیت بالای زندانی و ازدحام ناشی از آن جز تحمیل هزینه های گزاف، اختلال در نظم عمومی زندان، درگیری، شورش و اعتصاب ثمره ای نداشته و متولیان امر را بر آن داشته که به اقدامی دست بزنند تا جمعیت حبس ها کاهش یابد. اما یکی از اصولی که تحت تاثیر همین روابط وارد حقوق کیفری شده است اصل فردی کردن مجازات یا اصل تفرید کیفری می باشد (اردبیلی، ۱۳۸۴).

یکی از مظاهر مدیریت استفاده از جایگزین های حبس و جایگزین نمودن مجازات های اجتماعی به جای حبس های عموماً کوتاه مدت می باشد، به عبارت دیگر امروزه بیش از هر زمان دیگری اندیشه کاهش حبس از طریق جایگزین نمودن مجازات های متناسب با شخصیت مرتکب به جای حبس هایی که هیچ گونه بار اصلاحی و درمانی در مرتکب ندارند، سرلوحه افکار جرم شناسان و کیفرشناسان قرار گرفته است. در حقیقت مجازات های جایگزین حبس به مجموعه ای از ارزیابی ها، راه حل ها، تصمیمی گیری ها و خدماتی اطلاق می شود که حوزه های قضایی جهت جانشین نمودن حبس برای افراد محکوم و بزهکار در نظر می گیرند و محکومین تحت نظارت، شرایط و قواعد از پیش تعیین شده به جای تحمل کیفر حبس به ارائه خدمات عام المنفعه به منظور جبران خسارت وارد آمده به قربانیان و جامعه می پردازد (نوربها، ۱۳۸۹).

لذا در سال های اخیر به جهت رشد آسیب های مطروحه سیاست های مناسب جهت حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری حبس تدابیر مناسبی اتخاذ گردیده است. تحقیقات جرم شناسانه حاکی از این مطلب است که کاهش آمار زندانیان قطعاً از سه راه بیشتر ممکن نیست و آن عبارت است از اصلاح قوانین، استفاده از تاسیسات حقوقی از جمله آزادی مشروط، عفو و تعلق و تعویق مجازات و استفاده از استعداد های موجود از جمله مرخصی و اجرای بخشنامه های مرتبط می باشد. به هر حال بررسی های گسترده ای که پیرامون روش های جایگزین حبس صورت گرفته است و همچنین با یادآور شدن پیامدهای زیان بار بر فرد زندانی، خانواده ی وی و موقعیت شغلی و خانوادگی او تاثیر حبس را در زمینه بازداری برخی افراد جامعه از ارتکاب جرم و یا اصلاح مجرمین مورد سوال قرار داده اند. لذا سوال اصلی این پژوهش این گونه مطرح می شود مدیریت گرای کیفری از چه راهکارهایی می تواند به کاهش حبس بپردازد؟

۳. مجازات های جایگزین زندان

مجازات زندان از عهد کهن وجود داشته است و به دلیل استفاده محدود و جزئی از آن نمی تواند در ردیف مجازات های شایع آن اعصار تلقی شود، اما زندان با گذشت زمان به تدریج به عنوان مجازات وارد حقوق کیفری شد. در ابتدا جانشینی مجازات زندان با وجود وضعیت نامناسب آن به جای مجازات شدید بدنی بسیار امیدوار کننده بود ولی برخی در جهت بهبود شرایط نامطلوب و وضعیت بد آن اقدام های مهمی انجام دادند. از جمله جان هوارد در کتاب وضعیت زندان ها در انگلستان و ولز که از شرایط نامناسب زندان ها انتقاد کرده است (محدث، ۱۳۸۸). زندان به عنوان مهمترین مجازات موجود در اختیار دولت ها در رسیدن به هدف های خود بویژه اصلاح و درمان، ناکام مانده است که برای خروج از این وضعیت بحرانی و خطرناک در دو زمینه اقدام هایی انجام شده است: نخست، جرم زدایی و تحدید مداخله های کیفری و دوم بازاندیشی و بازنگری در نظریه مجازات ها، بویژه زندان. آگاهی از گستردگی مشکلات یادشده و لزوم یافتن راهکارهای خروج از بحران جمعیت کیفری، مسئولان دستگاه قضایی و اجرایی ایران را که به شدت از بروز چنین بحرانی در کشور نگران شده اند، بر آن داشته تا در راستای فعالیت های بین المللی و جهت پیشگیری از مشکلات آینده در صدد یافتن جایگزین های مناسب برای زندان باشند (نورایی، ۱۳۹۰). در ادامه به بررسی جایگزین های سنتی و نوین برای حبس در قوانین کیفری ایران پرداخته می شود.

۴. جایگزین های سنتی مجازات حبس

منظور از گونه های سنتی جایگزین، آن دسته از تدابیری است که از ابتدای قانونگذاری در نظام عدالت کیفری به منظور کاهش جمعیت زندان و پیشگیری از آثار زیانبار آن، پیش بینی شده است. این جایگزین ها عبارتند از: جزای نقدی- آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات. آزادی مشروط را می توان به عنوان جایگزینی برای حبس در نظر گرفت البته در شرایطی که همراه با نظارت باشد (شیخی منش، ۱۳۸۹). در غیر این صورت عنوان جایگزین برای آن با مشکل همراه است. برپایه ماده «۵۸» قانون مجازات های اسلامی، آزادی مشروط تنها در قلمرو حبس تعزیری امکان می یابد و از این رو جایگزین کردن آزادی مشروط شامل انواع حبس ها نمی شود. تعلیق اجرای مجازات حبس از دیگر روش های جایگزین است. هر چند که این روش یک راهکار غربی است اما از سال ۱۳۰۴ خورشیدی وارد نظام عدالت کیفری ما شد و در پاره ای مواقع برای افراد و مجرمان به عنوان راهکار جایگزین در نظر گرفته می شود. در تعریف این جایگزین آمده است: تعلیق اجرای مجازات عبارت است از متوقف ساختن مجازات زندان تعزیری مجرم (نوربها، ۱۳۸۹)

هرچند که عده ای، از این روش به عنوان راهکاری مفید یاد می کنند اما انتقادهای فراوان بر آن وارد است. در تعلیق، ممکن است مجرم بخشی از دوره محکومیت خود را سپری کند اما یکی از ایرادهای آن پرونده کیفری فرد است و این پرسش مطرح می شود که آیا دوره گذرانده شدن جرم در سوء پیشینه فرد لحاظ می شود یا خیر؟

جریمه نقدی دیگر راهکار سنتی برای جایگزین کردن حبس است. این روش از گذشته های دور در قانون کیفری ما وجود داشته است تا جایی که طبق قانون مصوب سال ۱۳۰۷ برای حبس های کمتر از ۲ ماه جزای نقدی در نظر گرفته می شد اما این روش مانند دیگر جایگزین ها دارای مانع های فراوانی چون مشکل مالی فرد مجرم است (صدیق فر، ۱۳۸۴). که البته این موارد نقش جایگزینی را تمام و کمال ایفا نمی کنند چرا که مثلاً در آزادی مشروط مجرم باید نصف مجازات حبس را در زندان گذرانده باشد و همچنین است در تعلیق قسمتی از مجازات اما تعلیق تمام مجازات نقش جایگزینی را به تمام معنا دارد. در جزای نقدی هم اگر محکوم علیه از پرداختن آن استنکاف نماید و مالی از او به دست نیاید به دستور دادستان حبس می گردد.

۵. جایگزین های نوین مجازات حبس

روش های نوین، گونه های دیگری از مجازات جایگزین حبس را مطرح می سازد. محرومیت از حقوق اجتماعی، خدمات عام المنفعه (اجتماع محور) و دوره مراقبت از مهمترین این روش ها است. هر یک از این روش ها در قانون کیفری کشور مورد توجه قرار گرفته اند و به میزان جرم افراد از آن ها در برخی از مواقع استفاده خواهد شد.

این جایگزین ها عبارتند از: محرومیت از حقوق اجتماعی- دوره مراقبت- خدمت عمومی رایگات و جزای نقدی روزانه.

۱. محرومیت از حقوق اجتماعی: منعی قانونی است که شخص به موجب آن، صلاحیت و شایستگی اعمال حقوق خودش را از دست می دهد. محرومیت از حقوق اجتماعی در زمره ی مجازات های تبعی است و مجازات تبعی از آثار مترتب بر محکومیت جزایی است و هیچ گاه در حکم دادگاه، قید نمی شود. تبعات محکومیت جزایی، عمدتاً محرومیت از حقوق اجتماعی است که مقنن آن را به زمان، محدود کرده است (عثمانی، ۱۳۹۲).

محرومیت از حقوق اجتماعی در ماده ی ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده و خود حقوق اجتماعی در تبصره ی ۱ این ماده آورده بودند. در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، محرومیت از حقوق اجتماعی بعنوان یکی از جایگزین های حبس ذکر گردیده اما به مصادیق حقوق اجتماعی در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی اشاره ای گردیده است.

۲. دوره ی مراقبت: ماده ی ۸۳ قانون مجازات اسلامی: دوره ی مراقبت، دوره ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجراء احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می گردد:

۱- در جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه

۲- در جرایمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال

- ۳- در جرایمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال
- ۴- در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال.
- تدابیر تعویق مراقبتی بر اساس ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی عبارتند از:
۱. حضور به موقع در زمان و مکانی که مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر تعیین می کند.
 ۲. ارائه ی اطلاعات و اسناد و مدارکی که نظارت بر اجراء تعهدات محکوم را برای مددکار اجتماعی تسهیل می کند.
 ۳. اعلام هر گونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جا به جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه ی گزارشی از آن به مددکار اجتماعی.
 ۴. کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور.
- این تدابیر می تواند از سوی دادگاه، همراه با برخی تدابیر معاضدتی، از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد. (تبصره ی ماده ی ۴۱).
۳. جزای نقدی روزانه: به معنای پرداخت روزانه ی مبلغی پول به دولت به عنوان مجازات که با شدت جرم ارتكابی و میزان درآمد روزانه ی مجرم، ارتباط و پیوستگی دارد (محدث، ۱۳۸۸).
- جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه ی محکوم که مورد حکم واقع، و با نظارت اجراء احکام وصول می شود، که همراه با میزان جزای نقدی به شرح ذیل در لایحه دیده می شود:
- ۱- جرایم موضوع بند ۱ ماده ۸۵ تا یکصد و هشتاد روز، تا نه میلیون ریال.
 - ۲- جرایم موضوع بند ۲ ماده ۸۵، یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز، از نه میلیون ریال تا هجده میلیون ریال.
 - ۳- جرایم موضوع بند ۳ ماده ۸۵، سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز، از هجده میلیون ریال تا سی و شش میلیون ریال.
 - ۴- جرایم موضوع بند ۴ ماده ۸۵، هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز، از سی و شش میلیون ریال تا هفتاد و دو میلیون ریال. (مواد ۸۵ و ۸۶ قانون مجازات).
- . خدمات عمومی رایگان: خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم، واقع و تحت نظارت قاضی اجراء احکام اجرا می گردد: (ماده ۸۴ قانون مجازات)
- ۱- جرایم موضوع بند ۱ ماده ۸۲، تا دویست و هفتاد ساعت.
 - ۲- جرایم موضوع بند ۲ ماده ۸۲، دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت.
 - ۳- جرایم موضوع بند ۳ ماده ۸۲، پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت.
 - ۴- جرایم موضوع بند ۴ ماده ۸۲، هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت.
- ساعات ارائه ی خدمت عمومی برای افراد شاغل، حداکثر چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل، حداکثر هشت ساعت در روز خواهد بود و نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم باشد. (تبصره ۱)
- اگر محکوم، به انجام خدمت عمومی رضایت نداشته باشد، مجازات اصلی اجرا می گردد. (تبصره ۳)
- قاضی اجراء احکام می تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریتهای خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق کرده یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادر کننده ی حکم پیشنهاد دهد. (تبصره ۴)

۶. نتیجه گیری

هر چند مجازات حبس از عهد کهن و باستان وجود داشته است و از نیمه دوم قرن هجدهم به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام های کیفری بسیاری از کشورها مورد توجه بوده است و در واقع توسل به مجازات حبس به منزله جایگزینی برای مجازات های شدید بدنی مثل اعدام بوده است. حتی پیش از ظهور دین مبین اسلام نیز مجازات حبس به عنوان یک ضمانت اجرای کیفری وجود داشته است. با پیدایش مکتب اثباتی در پایان سده نوزدهم و تاکید بر ضرورت استفاده از اقدامات تامینی به جای مجازات، رفته رفته نگرش های انتقادی نسبت به مجازات حبس مطرح گردیده است. لکن زندان به منزله محلی برای اصلاح و

درمان و بازپروری مجرمان در نیمه دوم سده بیستم و دهه های ۷۰ و ۸۰ مورد انتقاد شدید جرم شناسان و حقوقدانان اروپایی و آمریکایی قرار گرفت. علت این انتقادات و ایرادات، ناکارآمدی مجازات حبس در برآوردن رسالت و اهدافش بوده است. مجازات سالب آزادی به دلایل ذیل از لحاظ عملی با بحران و شکست مواجه شده است:

اولاً، مجازات حبس در بحث ارعاب و بازدارندگی (پیشگیری عام و خاص) و اصلاح و بازپروری مجرمان موفق نبوده است. ثانیاً، به لحاظ مشکلات و ایرادات شکلی و عملی که مهمترین آنها عبارتند از جرم زا بودن محیط زندان، تراکم جمعیت کیفری و کمبود فضای مناسب در زندان، اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی و از بین رفتن حس مسئولیت و متجری شدن اکثر مجرمین آزاد شده از زندان و مشکلات دیگری از قبیل ضعف امکانات عدم تفکیک زندانیان از بازداشتی ها، کافی نبودن تعداد زندانی ها، لذا:

۱- با توجه به این مشکلات و معایب وارده بر مجازات حبس و نظام اجرایی آن، استفاده جانشین های زندان به موضوع اصلی تحقیقات کیفرشناسی تبدیل شد. البته به قول مارک آنسل زندان را نمی توان مانند اعدام با یک نیش قلم و به کمک یک ماده واحده از زندانخانه ی کیفری حتی کشورهای غربی حذف کرد. بلکه می توان با توسل به راهکارهای مختلف و از جمله جانشین های مجازات زندان به محیطی «انسانی تر» تبدیل کرد که امکان طبقه بندی و بازپروری افرادی که واقعاً مستحق زندان اند، امکان پذیر شود.

۲- مجازات های جایگزین حبس برای کاستن یا از بین بردن مشکلات و آثار مخرب ناشی از به کارگیری مجازات حبس به وجود آمده اند

بدیهی است که هر قدر آمار زندانیان بالاتر رفته و کیفر حبس بیشتر اعمال شود امکان نیل به اهداف سازنده مجازات ها به لحاظ تراکم جمعیت و عدم امکان سازماندهی و سرویس دهی به آنان کمتر خواهد شد و برعکس پرهیز از اعمال مجازات حبس موجباتی را فراهم خواهد ساخت که به لحاظ کاهش تعداد مجرمین و ایجاد فضای مناسب و امکان رسیدگی به مشکلات زندانیان و مشارکت در بازسازی آن ها اهداف تربیتی و اصلاحی مجازات به نحوی مطلوب تحقق یافته و بزهکاران را به آغوش خانواده و جامعه بازگرداند.

۳- هدف از اجرای آن در واقع از بین بردن معایب و مشکلاتی است که برای مجازات حبس برشمرده ایم و علاوه بر اهداف کلی مجازاتها که در همه مجازات ها از جمله مجازاتهای جایگزین حبس مشترک می باشد اما هدف اصلی مجازات جایگزین حبس بحث اصلاح و بازپروری فرد مجرم و بازگشت او به جامعه به عنوان فردی از اجتماع می باشد که چنانچه این هدف میسر شود بسیاری از مشکلات ناشی از ارتکاب جرم که دامنگیر اجتماع می باشد از بین خواهد رفت و یا کم خواهد شد.

۴- در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران، هر چند از بدو قانونگذاری (سال ۱۳۰۴) تدابیری در جهت حبس زدایی و کاهش اعمال مجازات حبس و اعمال مجازات های جایگزین آن پیش بینی شده بود اما به صورت منسجم و مشخص نبوده است. تدابیری تحت عنوان تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و تبدیل مجازات پیش بینی شده بود. در قانون مجازات های اجتماعی سال ۱۳۸۴ برای نخستین بار این تدابیر به شکل کاملاً منسجم و تحت یک قانون خاص و جداگانه پیش بینی شده بود که به مرحله تصویب و اجرایی نرسیده است. لکن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نقطه عطفی در سیستم تقنینی کشور بوده است و برای نخستین بار مجازات های جایگزین حبس، نوع، شرایط و مقررات آن به صورت منسجم و مشخص طی فصل جداگانه ای در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است که با تصویب آن مشکلات اساسی و عمده در این زمینه حل شد و در سال ۱۳۹۲ در اصلاح و بازنگری که در قانون مجازات اسلامی صورت گرفت و در آیین نامه اجرایی ۱۳۹۳ روند جدی به خود گرفت.

۵- رمز موفقیت در اعمال مجازات های جایگزین حبس در این است که به شکل صحیح و مطلوب اعمال می شود که این امر مستلزم مهیا شدن و فراهم شدن زمینه ها و بسترهای لازم می باشد. چرا که هر قانونی هر چند مفید، پیش از اجرا نیازمند فراهم شدن زمینه های بسیاری می باشد.

اولین اقدام در این زمینه این است که افکار عمومی جامعه این مجازات را بپذیرد چرا که محور اصلی اعمال این تدابیر، مردم می باشند. و این مجازات ها می بایست در متن جامعه اعمال شود و قضات و نظام قضایی کشور نیز نسبت به این ضمانت اجراها توجیه شوند. بودجه مالی کافی برای اجرای آن تامین شود و قانونی با چارچوب مستحکم به تصویب برسد و فرهنگ سازی لازم در میان مردم و مسئولان و نهادهای درگیر در امر اجرای این مجازاتها انجام شود. چرا که در غیر اینصورت و بدون زمینه سازی و آگاهی و درک مردم و مسئولان، دستگاه قضایی و سایر نهادها، اجرای برنامه های جایگزین موفقیت آمیز نخواهد بود.

۶- مجازات های جایگزین حبس (اجتماع محور) نمی تواند ضمانت اجرای مناسبی برای جرایم شدید باشد و در جوامعی که اکثر جرایم از نوع خشونت آمیز است و رقم سیاه بزهکاری در آن بالاست، اعمال مجازات های اجتماع محور (جایگزین) نمی تواند اهداف از پیش تعیین شده را محقق نماید. در مورد بازدارنده بودن مجازات های جایگزین حبس باید گفت، به نظر می رسد که بزهکاران بی پیشینه و غیرخطرناک یعنی مجرمان روی هم رفته مورد اعتماد، مشمول این مجازاتها خواهند شد و برای این قبیل مجرمان، مجازات های جایگزین کارکرد تنبیهی و بازدارنده خواهد داشت. اما برای جرایم خشونت آمیز و مجرمان خطرناک و تکرارکنندگان جرم، ارباب و بازدارندگی مجازات حبس بیش از جایگزین های آن می باشد و لذا حذف کامل مجازات حبس از سیستم کیفری کشورها معقول و منطقی به نظر نمی رسد. که در بحث فواید مجازات حبس توضیحات لازم در این خصوص داده شد.

لذا با توجه به موارد فوق به نظر می رسد که اقدام نظام تقنینی و قانونگذار کشور ما در انسجام بخشیدن و پیش بینی نمودن تدابیر جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی که یکی از قوانین مهم مملکتی می باشد، اقدامی بسیار سنجیده و مهم محسوب می شود و در راستای همگام سازی نظام حقوقی کشور ما با سایر کشورهای جهان و بیانگر ارتقا و پیشرفت نظام عدالت کیفری می باشد. چرا که یکی از ملاک های مهم پیشرفت یک جامعه در ارزیابی قوانین کیفری و دستگاه عدالت کیفری آن جامعه می باشد و وضع قوانین کیفری متناسب و همه جانبه که هم حقوق بزه دیده و هم بزهکار و سایر افراد جامعه رعایت شود، موجب می شود که از اختلاف نظرات و صدور آرای متهاافت پرهیز شود و قضات دادگاه ها با سلاح محکم تری نسبت به صدور احکام اقدام کنند و احکام و آرای صادره نیز از اتقان و استحکام بیشتری برخوردار باشد. در حال حاضر یکی از نشانه های عدم پیشرفت و رشد دستگاه قضایی یک کشور، تورم جمعیت کیفری زندان می باشد. بدیهی است که برای نیل به اهداف فوق یک برنامه ریزی اصولی و مدون از ضروریات اجتناب ناپذیر می باشد.

مراجع

۱. اردبیلی، م، (۱۳۸۴)، "حقوق جزای عمومی"، تهران: نشر میزان.
۲. آشوری، م، (۱۳۸۲)، "جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین"، تهران: نشر گرایش.
۳. آنسل، م، (۱۳۷۵)، "دفاع اجتماعی"، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. شیخی منش، م، (۱۳۸۹)، "رابطه بین سابقه و میزان تحمل حبس و تکرار جرم"، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق. ۱۳۸۹
۵. صدیق فر، م، (۱۳۸۴)، "کیفرهای جایگزین مجازات سالب آزادی"، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم-شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق.
۶. عثمانی، س، (۱۳۹۲)، "جانشینهای نوین کیفر زندان"، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق.

۷. محدث، م، (۱۳۸۸)، "مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات حبس با مجازات‌های جایگزین در پیشگیری از تکرار جرم"، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه
۸. نجفی ابرند آبادی، ع، (۱۳۸۴)، "کیفرهای جامعه مدار"، دیپاچه در کیفرشناسی، برنار بولک، انتشارات مجد.
۹. نوایی، ث، (۱۳۹۰)، "حبس و تأثیرات آن بر زنان زندانی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد اراک، دانشکده حقوق.
۱۰. نوربها، ر، (۱۳۸۹)، "زمینه حقوق جزای عمومی"، تهران، انتشارات دادآفرین.

The Effectiveness of Reducing the Use of Imprisonment from the Perspective of Criminal Management Orientation

Vahid Vaziri¹, Ashkan Ramesh²

1. *University of Judicial Sciences and Administrative Services*

2. *University of Judicial Sciences and Administrative Services*

Abstract

The large number of prisoners, a shortage of prison space, the rising costs of prisons and the high rate of crime repetition among prisoners for over three decades have made criminologists think of reducing the use of imprisonment as the main punishment of the criminal justice system, which gave rise to other community-based types of punishment to replace imprisonment. These punishments are used in different ways nowadays, pursue different objectives and are expanding every day in the world. According to statistics and the studies conducted by lawyers and criminologists in most countries, imprisonment has actually failed to achieve the main objectives of punishment (reform and treatment of criminals and social rehabilitation of offenders) and has faced a crisis and inefficiency both in practice and theory. Therefore, adopting a comprehensive law on alternative punishments of imprisonment and providing the background for this, and also raising the people and judges' awareness will pave the way for its effective and accurate implementation.

Keywords: criminal management orientation, punishment, alternatives to imprisonment, criminal law, bill, prison
